

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

اکبر تک دهقان

۲۳ آذر ۱۳۸۸ - ۱۴ دسامبر ۲۰۰۹

## هیا هو بر سر چیست؟

هدف رژیم و اصلاح طلبان از جنجال کاذب پیرامون عکس خمینی، محدود ساختن مبارزات توده ای به چهار چوب حکومتی است.

در روز ۱۶ آذر، طی یکی از تظاهراتهای بزرگ دانشجویی، عکسی از خمینی جلد، بنیانگذار کوره آدم سوزی اسلامی، به حق و کاملاً قابل انتظار، هر چند پس از ماهها ترس و تعلل، به آتش کشیده شد؛ البته اینکه، این حادثه برای اولین بار روی داده باشد، هنوز قابل اثبات نیست. پس از آن، جناح حاکم رژیم اسلامی، کاملاً سازمانیافته، دست به انجام تبلیغاتی در این رابطه زده، مستقیم و غیرمستقیم، جناح اپوزیسیون خود، اما در واقع توده ملیونی معترضین را، به انجام اقدامات سرکوبگرانه تهدید میکند. همه ماجرا، احمقانه تر و ناشیانه تر از آن طراحی شده و در حال اجراء است، که حکومت اسلامی قادر شود، بر آن اساس، دست به قلع و قمع جنبش انقلابی، حتی اتخاذ یک سیاست جدی علیه آن بزند. آنها دیگر قادر نیستند، این بازی را به یک شام غریبان جدید تبدیل ساخته، و کمترین نتیجه سیاسی قابل اتکائی از آن بگیرند.

در روز ۲۱ آذر، سایت کلمه وابسته به جناح موسوی، اطلاعیه کوتاهی با عنوان " مردم هوشیار باشند، اتفاقی در پیش است "، از میرحسین موسوی را درج کرد. در این اطلاعیه آمده است:

" در پی اجرای سناریویی از پیش طراحی شده « حرمت شکنی از امام »، و نسبت دادن آن به دانشجویان، از دیروز رسانه های رسمی، تبلیغات حجیم و هدفداری را آغاز کرده اند، که با توجه به اطلاعات به دست آمده، به نظر می رسد، زمینه چینی برای برخی رفتارهای غیرمتعارف جدید باشد."\*۱

سایت کلمه سپس به کلیه حامیان " جنبس سبز " توصیه کرده است: در این زمینه کاملاً هوشیار باشند، و مرتباً خود را از آخرین تحولات، مطلع نگهدارند.

همه داستان ظاهراً از روز ۱۶ آذر و اخبار ساعت ۲۰.۳۰ صدا و سیمای رژیم، شروع شد. در این برنامه، تصاویر و اطلاعاتی درست و نادرست از تجمعات دانشجویی، از آن میان، تصویری از یک عکس پاره و یا آتش زده خمینی، که بر روی زمین افتاده، پخش میگردد. اینکه مسئولین باند مافیایی صدا و سیما، قصد معینی از اقدام خود

داشتند، بدون هیچ تردیدی روشن است. پیش از آن، خاکریز تقدس قلبی علی خامنه ای سقوط کرده بود، و دیگر نباید سنگر تقدس بنیانگذار این ماشین آدمکشی هم از دست میرفت؛ در آن صورت دیگر، چیز زیادی از رژیم تقدسات ارتجاعی- که تماماً از طریق ترور و اعدام ایجاد شده اند- باقی نمی ماند.

بیش از ۶ ماه است، که شعار " مرگ بر خامنه ای"، و پاره کردن و آتش زدن عکس او، به واقعیت جاری تعلق دارد. در حالیکه، حتی یکبار آه و ناله صدا و سیمای رژیم بلند نشده، و کسی از خیل جانپان و مداحان ریز و درشت حاکم، برای تقدس خاکستر شده خامنه ای، اشکی نریخته است. تئوریسینهای رژیم اسلامی در صدا و سیما و کیهان آن، ظاهراً دست به کشف تازه ای زده، برای پوشاندن ناتوانی محض خود از مقابله با جنبشهای اعتراضی، توجیه جدیدی تراشیده، تاکتیک فرار به جلو را اتخاذ میکنند.

جنجال به راه افتاده، در نگاه اول، به نوعی پاپوش دوزی برای میرحسین موسوی شبیه است؛ البته در سطح معینی، این موضوع صادق است. اما اصل موضوع مهم تر است. " متفکرین" رژیم اسلامی، به این وسیله قصد دارند اللقاء کنند، که همه ۶ ماه سرکوبگری جنایتکارانه آنها، نوعی شوخی و ادب کردن، نظیر حکم فلک کردن بچه ها در کلاس را داشته، کسی نباید خیال کند، این رژیم قادر به سرکوب تظاهرات نیست. به این ترتیب، آنها به مردم نداء میدهند، که مبارزات تکنونی مردم، نه مبارزات ضد رژیمی و با هدف سرنگونی این ماشین آدمکشی، بلکه نوعی اعتراضات در چهارچوب رجوع به " امام" آنها، و اجرای بهتر قانون اساسی بوده است؛ تقریباً همانکه اصلاح طلبان خود میگویند! دلیل توسل آنها به ایجاد این دلخوشی برای خود و به اصطلاح تهدید جدید مردم، وقوع تظاهرات گسترده، مستقل و علناً ضد رژیمی ۱۶ آذر در سراسر کشور، و پنبه شدن همه رشته های تهدید، سرکوب، شکنجه و دستگیریهایی گسترده، و احکام طولانی زندان در مقطع اخیر است. در حالیکه پیش از آن، تهدیدهای غلاظ و شداد فرماندهان سرکوب، بازداشتهای وسیع و حبسهای طولانی دانشجویان، باید درست از همین تحول، یعنی اعتراضات قدرتمند و مستقل ۱۶ آذر آنها در سطح سراسری، جلوگیری میکردند.

راه چاره بالا در عین حال، نوعی چراغ سبز به موسوی است. او باید شیرفهم شود، که جناح حاکم، او را در سطح یک مخالف قانونی پذیرفته، از آنجا که او، از خط قرمزهای تکنونی مورد توافق دو جناح، یعنی توقف در ایستگاه خمینی، عبور نکرده، بلکه به گفته بعدی موسوی و مورد انتظار جناح حاکم: پاره کردن عکس خمینی، باید کار ضد انقلاب بوده باشد! به این ترتیب، دو جناح رژیم به نوعی توافق ناگفته دست پیدا میکنند: اعتراضات خیابانی تا سطحی آری، جسارت به مقدسات حکومتی خیر! دقیقتر: اعتراضات خیابانی؛ به شرط عدم پیشروی آن به سمت یک قیام مسلحانه!

چنین توافقی اما، در همین سطح ناگفته ها محدود نمی ماند. موسوی و کروب، با تاییدیه ای که از " کودتاچیان" دریافت میکنند، باید با جدیت هر چه بیشتری، به مهار زدن بر مبارزات روزمره مردم بپردازند؛ به هر حال، تعهد در مقابل تعهد! اینکه آیا در جناح اصلاح طلبان امیدی به حفظ رژیم وجود دارد و یا خیر، هنوز ناروشن است؛ از این رو، امکان موفقیت تاکتیک سیاسی قاطعیت علیه " ضدانقلاب" درون اعتراضات، فعلاً خیالی بیش نیست. همین گنگی و ابهام، بزرگترین مانع دست و پاگیر برای موسوی و کروب خواهد بود. آنها باید بر اساس محاسبات " عقلانی"، از میزان پایبندی حریف به تعهدات نانوشته مطمئن گشته، کبوتر را در هوا نخرند.

سرکوبگران رژیم اسلامی، به مدت ۶ ماه است، که مردم را در کوچه و خیابان، به گلوله بسته، آنها را مورد ضرب و شتم وحشیانه قرار داده، شکنجه و تجاوز در زندانها، هسته اصلی شیوه بازجویی آنها از بازداشت شدگان را تشکیل داده است. آنها پیش از هر تجمعی، مردم را با هزار و یک ترفند و تهدید، از عواقب اعتراضات خیابانی

میترسانند. با اینحال، باز هم صدها هزار نفر انسان بی باک، به خیابانها می ریزند و به تهدیدات و وحشیگریهای آنها، پوزخند میزنند. بنا براین، برای رژیم اسلامی، بعد از ۶ ماه کامل تکرار وضعیت کنونی، سؤال معروف "چه باید کرد؟" به طور واقعی مطرح میشود.

ترفند جدید و مثلاً فکر شده در "اتاق فکر" حاکمان، باید توأمان به چند هدف دست یابد:

۱- تهدید دستگیری موسوی و کربوبی را، نظیر شمشیر داموکلوس، بالای سر آنها و معترضین نگاه دارد، تا آنها در انجام اقدامات بعدی خود، محتاط گردند.

۲- از فروریختن هر چه بیشتر تقدسات ارتجاعی خود، نظیر "مقام معظم رهبری" و "امام خمینی"، جلوگیری کند.

۳- مرز برخورد به خمینی را به عنوان خط قرمز کشمکش میان دوجناح یادآوری و تثبیت کرده، تظاهرکنندگان را وادار به رعایت آن سازد؛ و این چیزی جز شکست تدریجی مبارزات مردم، نتیجه ای ندارد.

۴- رژیم اسلامی در عین حال به شیوه جیونانه و به طور غیرمستقیم "نخ" میدهد، که حکومت، دیگر از خیر تقدس و "حرمت" رهبر شیاد فعلی خود گذشته است! البته با اینهمه شعار و پاره کردن عکس او، دیگر تقدسی برای او نمانده، و احیاء "حرمت" یک جنایتکار رسوای خاص و عام، عملاً هم غیرممکن شده است.

۵- میان تظاهرکنندگان تفرقه ایجاد کرده، طوری که عناصر چپ و مبارز از سوی طرفداران موسوی، به جدا شدن از تظاهراتها مجبور شوند. از این طریق، تظاهراتها را، به عنوان یک واقعیت مسلم پذیرفته، اما میان عناصر شریک در آن، صفتبندی خودی و غیر خودی را تشدید کنند.

۶- مبارزات خیابانی در ۱۶ آذر نشان از تغییر کیفیت اعتراضات، و نزدیک شدن به حسابرسی به خمینی جلد داشت؛ که ادامه آن، برخورد تند و تهاجمی علیه خمینی و اساس پیدایش نظام اسلامی را به دنبال خواهد آورد. تاکتیک سیاسی رژیم اسلامی در ماجرای اخیر، جلوگیری از اوج گیری مبارزات به این سطح است.

۷- براساس تئوری جدید متفکرین تبلیغاتی رژیم، تاکتیک جدید باعث تقویت موقعیت طرفداران موسوی و کربوبی در میان دانشجویان شده، آنها را به مرزبندی بیشتر با غیرخودی ها سوق داده، یک جنبش اعتراضی سبز قانونی به وجود می آید. به اینترتیب، ناخالصی های فعلی این جنبش تصفیه شده، و آنچه که عناصر اسلامی- افراطی در این جناح مطرح میکنند، یعنی، جبهه ای از طرفداران "جمهوری اسلامی"، تشکیل میگردد. این جبهه دیگر نیازی به راهپیمایی نداشته، پیرامون این بند و آن بند قانون اساسی، میتوان با خیال راحت و پشت درهای بسته، با یکدیگر چانه زد.

۸- سیاست توسل به حفظ تقدس خمینی، در همان حال، نوعی تست کردن موسوی و انجمنهای اسلامی دانشگاهها است. از دید مبتکران این سیاست: از آنجایی که موسوی عاشق و شیفته خمینی- از دید حاکمان و به درست، احساسی عقب مانده و کودکانه - است، بنابراین میتوان موسوی را از چشم اسفندیار او مورد تهاجم قرار داد. به این ترتیب که او را وادار ساخت، در این رابطه به نفع "امام" و رژیم اسلامی موضع گیری کند. در غیر اینصورت معلوم میشود، که علاقه او به خمینی فقط نوعی سیاست "تقیه" برای دستیابی به اهداف سیاسی است. به نظر طراحان سیاست بالا، موسوی در صورت شکست در این آزمایش، از سوی طرفداران "صادق" نظام، یعنی خانواده شهداء و معلولین جنگ، و انجمنهای اسلامی دانشگاهها، طرد شده، حداقل مورد چون و چرا قرار میگیرد.

۹- شخص موسوی از سوی جناح حاکم به طور نانوخته مأموریت خواهد داشت، خود مواظب شعارهای تظاهر کنندگان بوده، از سمت گیری "ساختار شکنانه" آن ممانعت کند.

۱۰- حال که نمیتوان مستقیماً از این رژیم جانی دفاع کرد، باید " حرمت " نداشته خمینی، عمده شده، نوعی احترام به او طلب گردد. در قاموس این رژیم و در ذهن هر شکنجه گر و بسیجی، حفظ " احترام " به خمینی جنایتکار، یعنی حفظ وضع موجود!

۱۱- نزدیکی ماه محرم، یعنی ماه شهادت و مظلوم نمایی، سران رژیم را به فراست موضوعی که به موضوع سینه زنی و گریه و زاری عمال آن تبدیل گردد، انداخته است. از این رو، مداحان و تیر خلاص زنان، که دیگر کسی در خیابان برای درنده خویی های آنها، تره خرد نمیکند، تریبونی برای شهادت پیدا کرده، از طرق سهل تر و " نرم " تری به سراغ مردم معترض بروند.

توسل به تاکتیک تحمیل حفظ تقدس خمینی به تظاهرکنندگان، و وادار ساختن آنها به تبرئه خود، علامتی است که رژیم اسلامی، دیگر امیدی به توقف مبارزات مردم از طریق سرکوب نظامی ندارد. حال از این پس باید، با راه اندازی شام غریبان خمینی و نعره کشی واماما و اماما، این درماندگی حکومت اسلامی جبران، و یا حداقل پنهان شود.

سیاست رفتن به سراغ مقدسات مذهبی و حکومتی، از یک طرف تیر آخر این رژیم جانی برای کنترل و یا توقف مبارزات توده ای است، از سوی دیگر، نمایش فرسودگی هر دو جناح رژیم اسلامی است. جناح غالب، هر نوع وحشیگری برای توقف مبارزات مردم را امتحان کرده، در مانده تر از روز اول، به گل نشسته است. جناح موسوی، ناچار است، مداوماً به دنبال مردم حرکت کرده، آنان را از توسل به یک قیام مسلحانه ("عدم خشونت") باز دارد و هر روز، روز از نو و روزی از نو! او دیگر نمیتواند سیاست دنباله روی از مردم را نظیر ماههای گذشته ادامه دهد- از آنجا که مبارزات روزمره به طور اجتناب ناپذیری، به سمت تاکتیکهای سرنگونی رژیم، تمایل پیدا میکنند.

موضوع بالا، همانطور که گفته شد، دو طرف دارد؛ یعنی موسوی و جناح " جبهه جمهوری اسلامی " او هم، جزئی از بازیگران تأثیر حکومتی کنونی هستند. در این جناح، بخش مرفه طبقه متوسط شهری و قبل از همه تهرانی، صاحبان موقعیتهای اداری، تخصصی و به ویژه دارندگان مدارج دانشگاهی، سود برندگان از نابودی سازمانهای انقلابی و ۸ سال جنگ ویرانگرانه، و شاغلین لیبرال در دفاتر شرکتهای خارجی مقیم ایران نشسته اند؛ یعنی پایگاه اجتماعی خاص میرحسین موسوی و مهدی کروبی؛ یعنی همه آنهایی که بعد از حمام خون دهه ۶۰، با حدت و شدت، دانشجویان بازمانده از ترور و ترسیده از قتل عام نسل خود را، با روح عظمت طلبی اسلامی- هخامنشی، و نظریات ضدکمونیستهای مدافع بازار سرمایه داری مسموم کردند.

این جریان تحصیل کردگان ارتجاعی، و مجرمان قلم به دستی که بر محل کار اعدام شدگان و فراریان از کشور تکیه زده اند، از جنجال پیش آمده، کمال استفاده را خواهند برد. آنها و برخی مسؤولین راست انجمنهای اسلامی، تلاش خواهند کرد، از فضای پیش آمده، هر چه بیشتر برای تبلیغ و تثبیت سیاست خود، یعنی جلوگیری از ابتکارات مستقل توده دانشجویان و توسعه انقلاب کنونی، سود ببرند. جناح راست افراطی طبقه متوسط اسلامی، بر پشتیبانی از موسوی تأکید کرده، و با " امام خمینی " لعنتی خود، تجدید عهد خواهد کرد. این نیروی " اساتید " و صاحبان مدارک فاقد کیفیت علمی، به خوبی به این حقیقت آگاه است، که امتیازات فعلی آن، نه ناشی از غلبه بر حریفان خود در رقابتی آزادانه در بازار کار، بلکه محصول حذف رقیبان از طریق قتل عام آنها است. این راز سرسپردگی آنها به اصلاح طلبان، کینه و نفرت افراطی علیه کمونیستها و آه و ناله علیه " توهین " به ساحت نحس " امام ره " شان است.

خلاف تصور همه نقش آفرینان اسلامی و لیبرال جنجال کنونی، مبارزات توده ای در کشور، بدون کمترین تزلزلی به پیش خواهد رفت. نه تنها این، بلکه توده دانشجویان، از این پس بیش از گذشته در موقعیتی خواهند بود، که به جنایات خمینی جلاد فکر کرده، بنیانگذار هیتلرمنش ۳۰ سال بردگی اسلامی در این کشور را بهتر بشناسند. مقدسات رژیم اسلامی، از این پس هر چه بیشتر در مبارزات روزمره مردم، لگد خواهند خورد. مردمی که به قصد کسب حقوق زمینی به خیابان آمده، خود را به آب و آتش میزنند، به تدریج طوق وحشت از قدرتهای مقدس را پاره کرده، ردای آسمانی این سلطه گران بربرمنش خاکی را از قامت آنها کشیده، و چهره حقیقی قاتلان و شکنجه گران مقدس را، لخت و عریان در برابر چشمان همگان قرار خواهند داد.

برنامه سیاسی [www.radikaldemokratik.blogspot.com](http://www.radikaldemokratik.blogspot.com) [www.j-shoraie.blogspot.com](http://www.j-shoraie.blogspot.com)  
آرشیو [www.j-shoraii.blogspot.com](http://www.j-shoraii.blogspot.com) [pouyane50@yahoo.de](mailto:pouyane50@yahoo.de)

-----  
توضیحات

\*۱- رنگ آبی و خط کشی، از این نگارنده است. نشانی یادداشت موسوی:

<http://hammihannews.com/news/7931>  
-----